



# تحلیل تطبیقی اشکالات نحوی ترجمه قرآن حداد عادل و فولادوند

## (مطالعه موردی: مفعول مطلق)

(تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۶)

محمدحسن امرائی\*  
یحیی معروف\*\*

### چکیده

غلامعلی حداد عادل و محمدمهدی فولادوند از مترجمان معاصر قرآن کریم هستند که ترجمه آن‌ها از منظر برگردان انواع مفعول مطلق، نیازمند بازنگری مجدد است. روش‌شناسی ترجمه‌ها نشان می‌دهد که مترجمان در برگردان مفعول مطلق و انواع آن غالباً به شیوه تحت‌اللفظی صرف عمل نموده‌اند؛ لذا نقش ظرافت‌های نحوی و دستوری را در بیان ترجمه فارسی نادیده انگاشته‌اند. این مقاله درصدد است تا به بررسی و نقد کیفیت ترجمه مفعول مطلق و انواع مختلف آن در ترجمه غلامعلی حداد عادل و محمدمهدی فولادوند بپردازد. نتایج پژوهش در آیاتی که به صورت مورد پژوهانه بررسی و تحلیل گردید، نشان داد که هر دو مترجم در برگردان تعابیر مفعول مطلق قرآن کریم غالباً از روش معنایی یا معنایی - ارتباطی که بهترین روش‌ها در برگردان انواع مفعول مطلق هستند، غفلت ورزیده‌اند؛ بلکه بیشتر از رویکرد حرفی و لفظی بهره گرفته‌اند. با این حال، فولادوند به مراتب بهتر از حداد عادل عمل کرده است. ضرورت انجام این پژوهش، نارسایی ترجمه حداد عادل و فولادوند، در برگردان انواع مفعول مطلق است تا جایی که ادبیات این ترجمه‌ها در برخی موارد، دچار عربی زدگی ساختاری گردیده است.

واژگان کلیدی: اشکالات نحوی، مفعول مطلق، قرآن، ترجمه، حداد عادل، فولادوند.

سال دوم  
شماره یکم  
پیاپی: ۳  
پاییز و زمستان  
۱۳۹۷

\* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ولایت، ایران‌شهر، ایران. (نویسنده مسئول) [m.amraei@velayat.ac.ir](mailto:m.amraei@velayat.ac.ir)  
\*\* استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. [y.marof@yahoo.com](mailto:y.marof@yahoo.com)

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی یکی از پرچالش‌ترین بخش‌های ترجمه است که رسالت آن، توسعه و ترویج فرهنگ قرآنی و انتقال آموزه‌ها و تعالیم و حیانی است. از جمله مهم‌ترین اصولی که تاکنون در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، توجه کاملی به آن نشده است، ترجمه مفعول مطلق در قرآن کریم است. مفعول مطلق در زبان فارسی الگوی برابری به لحاظ نقش نحوی ندارد، جز در مواردی اندک که در زبان عرف به کار می‌رود؛ مانند: خندید چه خندیدنی! فریاد کشید چه فریادی! (جواهری، ۱۳۹۳: ش: ۲۲۲) در زبان عربی، مفعول مطلق از نقش‌هایی است که معادل مشخصی در زبان مقصد (فارسی) ندارد. این حالت نحوی به‌ویژه پس از نفوذ زبان عربی در زبان و ادب فارسی، وارد ساختار نحوی زبان فارسی شد و به‌صورت ساختاری مشابه و نه معادل - بخصوص در شعر فارسی به‌کاررفته رفت، چنان‌که در شواهد زیر می‌بینیم:

بخندید «خندیدنی شاهوار» چنان کامد آوازش از چاه‌سار

(فردوسی، ۱۳۶۳: ۹۳/۳)

بجنیید «جنیدنی باشکوه» چو از زلزله کالدهای کوه

(نظامی، ۱۳۸۱: ۴۵۱)

این حالت نحوی در زبان فارسی معاصر و معیار هرگز به‌صورت مشابه ساختاری به کار نمی‌رود؛ بنابراین، باید معادلی ساختاری در زبان مقصد در برابرش به کار برد. در زبان معیار، گونه‌های مختلف مفعول مطلق را با گونه‌های متناسب از قید (تأکید، تشبیهی، تکرار، نفی) معادل‌سازی می‌کنند (قلی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۸). در این مقاله، مشکلات نحوی مربوط به مفعول مطلق را در چهار محور در سطح ترجمه حداد عادل و فولادوند با رویکرد تطبیقی مورد بررسی و نقد تحلیلی قرار گرفته تا میزان توفیق هر کدام از برگردان مفعول مطلق بیشتر تبیین گردد.

### ۱ - ۱ - پیشینه پژوهش

در ارتباط با ترجمه فارسی غلامعلی حداد عادل و محمد مهدی فولادوند از قرآن، تاکنون مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. محمدعلی کوشا در مقاله «معرفی و بررسی ترجمه حداد عادل از قرآن» (۱۳۹۰ ش)، ضمن اشاره به برخی نقاط قوت و زیبایی‌های این ترجمه، برخی مشکلات صرفی - نحوی، واژگانی، بلاغی و فقهی تفسیری این ترجمه را به‌صورت پراکنده، مطرح نموده است.

۲. حسین استادولی نیز در مقاله‌ای به نام «نگاهی دیگر به نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم از غلامعلی حدّاد عادل» (۱۳۹۴ ش) به نقد و بررسی اشکالات این ترجمه به طور استقرائی و گزینشی اقدام نموده و حدّاد عادل نیز برخی از این نقدها را در چاپ جدید ترجمه خود اعمال نموده است.

۳. سیدمحمد رضی اصفهانی نیز در مقاله‌ای به عنوان «نقد ساختار ترجمه حدّاد عادل و صفارزاده، مطالعه مورد پژوهانه: ضمیر فصل» (۱۳۹۳ ش) ضمیر فصل را از نظر ساختاری در دو ترجمه فارسی حداد عادل و طاهره صفارزاده، تحلیل تطبیقی نموده و معادل‌های ساختاری متفاوتی از برگردان انواع ضمیر فصل در ترجمه مترجمان واکاوی نموده است.

۴. مهدی سلطانی رنانی در مقاله «نقد ترجمه استاد فولادوند» (۱۳۸۴) به نقد ترجمه استاد فولادوند در برخی جنبه‌ها از جمله واژگان، تعابیر نحوی و بلاغی و ... پرداخته است.

۵. مالک عبدی در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی ترجمه فولادوند با تکیه بر کارکردهای صرفی، نحوی، واژگانی و بلاغی دانش معناشناسی» به آسیب‌شناسی ترجمه فولادوند در حوزه‌های مذکور و بیان راه‌کارهای مطلوب پرداخته است.

و مقالات دیگری که به خاطر پرهیز از تکرار مکررات از ذکر آن‌ها خودداری می‌گردد؛ اما درباره مفعول مطلق نیز تاکنون مقالاتی متعدد به زیور طبع آراسته شده که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. «بررسی ترجمه و معادل ساختاری مفعول مطلق با محوریت ترجمه استاد فولادوند) بررسی موردی سوره نساء» در این نوشته، ابتدا به بحث پیرامون مفعول مطلق و معادل ساختاری آن در ادبیات فارسی. پرداخته شده است. سپس با ترجمه قرآن استاد فولادوند به صورت نمونه در سوره نساء تطبیق داده شده است.

۲. «مفعول مطلق و معادل ساختاری آن) بر اساس ساختار زبانی قرآن کریم» عنوان مقاله‌ای از حیدرقلی زاده است که در آن به بررسی مشکلات ساختاری. مفعول مطلق در برخی ترجمه‌های قرآنی پرداخته و مشکلات ساختاری مفعول مطلق را برشمرده است.

باین حال، علی‌رغم مقالات نگارش یافته متعددی در خصوص ترجمه فارسی حدّاد عادل و فولادوند از قرآن کریم؛ تا آنجا که نگارندگان این مقاله مطلع هستند، تاکنون پژوهشی مستقل و جامع در خصوص نقد و بررسی تطبیقی ترجمه مفعول مطلق در سطح ترجمه‌های یادشده از قرآن کریم، به صورت خاص و موردی، صورت نپذیرفته است.

## ۱ - ۲ - سوالات پژوهش

۱- آیا هر دو مترجم، در ترجمه ساختار نحوی مفعول مطلق و انواع آن توانسته‌اند معادل‌یابی دقیقی انجام دهند؟

۳- هر دو مترجم، در برگردان ساختار نحوی مفعول مطلق بیشتر به معانی لفظی اعتماد دارند یا معانی مفهومی؟

## ۲- چارچوب نظری پژوهش

### ۱-۲. تعریف مفعول مطلق و انواع آن

در اصطلاح نحو، مفعول مطلق عبارت از مصدری است که پس از فعلی که مصدر از لفظ همان فعل است، برای تأکید، بیان نوع و یا عدد عنوان می‌شود؛ مانند: «وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» (النساء/ ۱۶۴). در این آیه شریفه، فعل «كَلَّمَ» عامل و «تَكْلِيمًا» مفعول مطلق و مصدر تأکید کننده‌ی عامل است. در غالب کتب نحوی، مفعول مطلق را به چهار گروه تقسیم نموده‌اند: مفعول مطلق تأکیدی که غالباً مصدری است منصوب از جنس فعل که بدون صفت با مضاف‌الیه به کار برده می‌شود و برای تأکید بر وقوع فعل به کار می‌رود. مفعول مطلق نوعی که غالباً به صورت موصوف و مضاف، برای بیان چگونگی وقوع فعل به کار برده می‌شود و همواره باصفت یا مضاف‌الیه همراه است. قابل توجه است که در ترجمه مفعول مطلق نوعی در صورتی که باصفت همراه باشد فقط صفت ترجمه می‌شود یعنی به صورت (خیلی، زیاد و...) استفاده می‌کنیم و در صورتی که با مضاف‌الیه همراه باشد از کلمات (مثل، مانند و...) استفاده می‌کنیم. مفعول مطلق عددی که غالباً عدد فعل را می‌رساند و گاهی نیز مصدری وجود دارند که به عنوان مفعول مطلق در جمله ظاهر می‌شوند و عامل آن‌ها جوازا یا وجوباً محذوف است مانند، حَقًّا، سَمْعًا، طَاعَةً، شُكْرًا، أَيْضًا، حَمْدًا، صَبْرًا، سُبْحَانَ اللَّهِ، مَعَاذَ اللَّهِ، مَعْدَرَةٌ، اِضَافَةٌ، عَفْوًا و ... ما در این پژوهش بر اساس انواع مختلف مفعول مطلق، ترجمه فارسی حداد عادل و فولادوند از قرآن را بررسی نموده تا معادل یابی دقیقی از انواع مفعول مطلق را در آن دو، به مخاطب بشناسانیم.

### ۲-۲. عامل مفعول مطلق

عامل مفعول مطلق نیز به چهار شکل واقع می‌شود که عبارت‌اند از:

#### ۱-۲-۲. فعل متصرف تام

بنابراین، فعل جامد مثل فعل تعجب و فعل ناقص مثل «كَانَ» نمی‌توانند عامل مفعول مطلق باشند؛ مانند: «فَرَحْتُ فَرَحًا». در این مثال، «فَرَحْتُ» فعل متصرف تام و عامل مفعول مطلق (فَرَحًا) است (ر.ک؛ حسن، ۱۴۲۸ ق: ۱۵۹/۲)

#### ۲-۲-۲. وصف متصرف

وصف متصرف؛ مانند اسم فاعل و اسم مفعول و صیغه مبالغه. لذا اسم تفصیل و صفت

مشبّه نمی‌توانند عامل مفعول مطلق باشند (ر.ک؛ الصّبان، ۱۳۷۷: ۲/ ۶۲۷)؛ مانند «رَأَيْتَكَ مُجْتَهِدًا اجْتِهَادًا». در این مثال، «مجتهداً» اسم فاعل و عامل مفعول مطلق (اجتهداً) است.

#### ۲-۲-۳. مصدر

مصدر؛ مانند: (قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا) (الإسراء/۶۳)؛ یعنی: «فرمود: برو و هرکسی از آنان از تو تبعیت کند، جهنّم کیفر شماسست؛ کیفری است فراوان». در این آیه شریفه، «جَزَاؤُكُمْ» مصدر و عامل مفعول مطلق (جَزَاءً) است (همان: ۱۳۷).

#### ۲-۲-۴. مفعول مطلق با عامل محذوف

باید این ساخت نحوی را به‌عنوان یک قسم از جمله‌های زبان عربی که هم به لحاظ ساختار و هم به لحاظ معنای مستفاد از آن با مفعول مطلق‌های مذکورالعامل متفاوت است، موردبررسی قرار داد. این مطلب از توضیح خضری بر شرح ابن‌عقیل استفاده می‌شود، آنجا که درباره این ساخت می‌نویسد: «مفعول مطلق یا برای تأکید است یا برای نوع یا بیان عدد و یا جانشین فعل خویش است» (خضری، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۸۸)؛ زیرا در این ساخت نحوی، مفعول مطلق درواقع، به منزله مسند‌الیه و مسند یک جمله ایفای نقش می‌کند (ر.ک؛ شکرانی، ۱۳۸۰: ۲۴)؛ برای مثال، در آیه «فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثَخَتُمْوَهُمْ فَشُدُّوا الوُثَاقَ...» (محمد/ ۴)، «ضرب» یک مفعول مطلق برای فعل محذوف است که در چهارچوب قواعد نحوی و در کتب تفسیر، این عبارت در اصل چنین بوده است: «فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ بَضْرَبًا» که با حذف عامل یعنی «اضربوا» از باقیمانده کلام، ترکیب «ضَرْبَ الرِّقَابِ» به وجود آمده است.

### ۳- بررسی ترجمه انواع مفعول مطلق در ترجمه حداد و فولادوند

#### ۱- ۳- مفعول مطلق تأکیدی

مفعول مطلق تأکیدی مفاد فعل را مؤکد می‌سازد و قیدهای تأکید، کیفیت، مقدار، نفی و مانند این‌ها که به‌نوعی بر مفهوم فعل تأکید می‌کنند یا می‌توان در این راستا از آنان استفاده کرد، می‌توانند برابره‌های مناسبی برای این نوع مفعول مطلق باشد؛ به‌عنوان نمونه:

(وَوَمَثَلُ لَهٗ مِنَ الْعَذَابِ مَثَلًا) (مریم / ۷۹)

حدّاد عادل: و عذابش را بسی افزون‌تر خواهیم ساخت.

فولادوند: و عذاب را برای او خواهیم افزود.

قید «بسی» در ترجمه حدّاد عادل، متمم قیدی برای فعل جمله است که در برابر مفعول

مطلق تأکیدی «مَدًّا» آورده شده است. همان‌گونه که در ترجمه فولادوند ملاحظه می‌شود، وی نقش مفعول مطلق را در ترجمه مفعول گذاشته است، بدین معنی که مترجم اساساً مفعول مطلق را - خواه به صورت معادل و یا به صورت مشابه - به زبان مقصد ترجمه نکرده و این حذف نابجاست؛ اما در ترجمه حداد عادل به نقش مفعول مطلق در ترجمه توجه شده و معادل قید تأکید «بسی» را ذکر نموده است. البته این بدان معنی نیست که حداد عادل تمامی مفعول مطلق‌ها را به درستی به زبان مقصد (ترجمه) انتقال داده؛ بلکه ایشان در موارد بسیاری، دیده می‌شود که از برابری برای ترجمه مفعول مطلق تأکیدی بهره گرفته است که بر فرض مفهوم بودن، نمی‌تواند برابری به زبان معیار و موافق زبان فارسی تلقی شوند، به نمونه‌هایی از این دست پرداخته می‌شود:

{يَوْمَ يَدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاءً} (طور / ۱۳)

حداد عادل: روزی که به سوی جهنم می‌رانندشان، چه سخت راندنی!

فولادوند: روزی که به سوی آتش جهنم کشیده می‌شوند [چه] کشیدنی.

{وَمَكْرُوا مَكْرًا كَبِيرًا} (نوح / ۲۲)

حداد عادل: و نیرنگ زدند نیرنگی بزرگ.

فولادوند: و دست به نیرنگی بس بزرگ زدند.

{وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ} (النمل / ۵۰)

حداد عادل: آنان ترفندی زدند و ما نیز، بی‌آنکه بدانند، ترفندی زدیم و چه ترفندی.

فولادوند: و دست به نیرنگ زدند و [ما نیز] دست به نیرنگ زدیم و خبر نداشتند.

## نقد و ارزیابی

برخلاف فولادوند، مهم‌ترین نکته‌ای که در ترجمه حداد عادل از مفعول مطلق تأکیدی در آیات فوق، توجه مخاطب را به خود جلب می‌نماید، استفاده از شیوه‌های قدیمی و منسوخ ترجمه مفعول مطلق در زبان فارسی است که بقایای این شیوه احیاناً در زبان محاوره دیده می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مترجم به ظاهر و شکل متن مبدأ (قرآن کریم) اعتماد نموده و ترجمه آیات بر مبنای تشابه ساختاری و نه تعادل ساختاری و به شیوه تحت‌اللفظی و حرفی صورت گرفته است؛ و همان است که سبب این ناهنجاری شکلی در ترجمه گردیده است. مفعول مطلق «دعاً» بر اساس تشابه ساختاری و لفظ به لفظ به متن مبدأ و نه تعادل ساختاری، به زبان فارسی برگردان شده است که نه تنها معادل و مطابق نیست؛ بلکه اصولاً در زبان فارسی چنین اسلوبی، ناشناخته و غیرقابل قبول است و در حقیقت خروج از زبان معیار و نوعی عربی‌گرایی است. نمی‌توان ترجمه حداد عادل را وفادارترین ترجمه به زبان مبدأ، از منظر ساختارهای مفعول مطلق، به شمار آورد؛ بلکه مترجم، احیاناً مرتکب نوعی عربی‌گرایی

افراطی در این مجال نیز گردیده است. جالب توجه است که ایشان، در تکمله‌ای که در یکی از مقالات محمدمهدی رکنی یزدی آمده، اظهار نموده است که: «عربی زدگی ساختاری، بدتر از عربی زدگی واژگانی» است (رکنی یزدی، ۱۳۹۰: ۸). اما آیات شریفه‌ی فوق و نیز آیه ۵ از سوره معارج: ﴿فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾ (معارج / ۵) که به صورت: (و تو صبر پیشه کن، صبری جمیل.) ترجمه شده است، مثال‌های بارز و برجسته‌ای بر وجود عربی زدگی ساختاری در ترجمه حداد عادل است. در این آیه، ساختار ترجمه حداد عادل، شبیه ساختار مفعول مطلق در قرآن کریم است، نه معادل آن. هر چند فولادوند نیز گاه‌گاهی مرتکب این گونه عربی زدگی‌های ساختاری گردیده است؛ چنان‌که در ترجمه آیه ۲۰ سوره فجر، چنین گفته است: ﴿وَتَجِبُونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾ (و مال را دوست دارید، دوست‌داشتنی بسیار).

### ۲-۳- مفعول مطلق نوعی

مفعول مطلق نوعی، نوع فعل را بیان می‌کند و بر دو نوع است: موصوف و صفت. درباره‌ی دسته نخست، یعنی مفعول مطلق از نوع موصوف، مهم‌ترین اشکالی که ممکن است در ترجمه مفعول مطلق نوعی رخ نماید، برگردان آن به شکل مفعول صریح از جانب مترجمان است، همان‌گونه که آیه ﴿وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ (الاسراء / ۲۳) را چنین ترجمه نموده‌اند: حداد عادل: و بدانان به نیکی سخن بگوی. فولادوند: و با آنان سخنی شایسته بگوی.

ملاحظه می‌شود که ترکیب «سخنی شایسته» در ترجمه فولادوند، نقش مفعول صریح دارد و می‌بایست به جای آن از قیدهایی نظیر به نیکویی، بزرگووارانه، با اکرام و ... استفاده می‌کردند؛ اما دیده می‌شود که در ترجمه حداد عادل با استفاده از متمم قیدی «به نیکی» تعادل در ترجمه برقرار شده است. در این آیه شریفه «قولا» می‌تواند به معنای کلام و مفعول به یا مصدر و مفعول مطلق نوعی و موصوف باشد. بدین معنی که برخی صاحب نظران نحوی به دلالت سیاق و بافت این گونه ساختارها را مفعول به نیز به شمار آورده‌اند. در ترجمه نخست عبارت «به نیکی» در برابر «قولا کریمًا» در نظر گرفته شده است و بهتر بود پیش از لفظ «سخن» می‌آمد: «و با ایشان به نیکویی سخن به گوی یا: نیکو سخن بگو»؛ اما ترجمه دوم بر اساس مفعول به بودن آن است؛ و از همین قبیل است:

﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ \* وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ﴾ (الفجر / ۲۵ - ۲۶)

حداد عادل: در آن روز هیچ‌کس مثل عذاب خدا، عذاب نکند؛ و هیچ‌کس مثل به بند کشیدن خدا، به بند نکشد.

فولادوند: پس در آن روز هیچ‌کس چون عذاب کردن او، عذاب نکند و هیچ‌کس چون دربند کشیدن او دربند نکشد.

کلمات «عذاب» و «وثاقه» مفعول مطلق نوعی از نوع مضاف هستند که باید با کمک ادوات تشبیه و قیدهای کیفیت ترجمه شوند. در ترجمه حداد عادل مترجم با بهره‌گیری از لفظ «مثل» توانسته است به ترجمه‌ای وفادار دست یابد که البته بهتر بود به جای لفظ «مثل» که عربی است از قیود تشبیه دیگری، از قبیل: (چون مانند، همانند، به مانند و ...) استفاده می‌کردند. این موضوع در ترجمه فولادوند به خوبی مراعات شده و ایشان با آوردن ادات تشبیهی مانند «چون» ترجمه بهتر و معادل‌تری ارائه نموده است. نکته مهم دیگری که در ترجمه حداد عادل بدان التفات کافی نشده، این است که در این ترجمه‌ها «عذاب» که مصدر است، به عذاب فارسی که اسم مصدر است ترجمه شده است. این موضوع اساساً ابهام‌آور است و دو معنا را به ذهن مخاطب القا می‌کند: عذاب کردن و نوع آن؛ یعنی کسی به مانند عذاب کردن خدا از جهت سختی و شدت، عذاب نمی‌کند، یا: کسی به سان عذاب خدا از جهت نوع و صورت، عذاب نمی‌کند. ترجمه فولادوند، هیچ‌کدام از اشکالات مطرح شده را ندارد؛ بنابراین، ترجمه‌ای وفادار، امین و دقیق است.

(وَتَجِبُونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا) (الفجر / ۲۰)

حداد عادل: و مال و ثروت را دوست می‌دارید، بسیار هم دوست می‌دارید.

فولادوند: مال را دوست دارید، دوست‌داشتنی بسیار.

در این آیه شریفه «حُبًّا» مفعول مطلق نوعی از نوع موصوف و لفظ «جَمًّا» صفت برای آن است و نوع این دوست داشتن را بیان می‌نماید. معادل ساختاری دقیق ترجمه این گونه مفعول مطلق‌ها، قید کیفیت و یا تأکید است. اگر بخواهیم این گونه جملات را به صورت حرفی و تحت‌اللفظی ترجمه نماییم دچار ناهنجاری‌های ساختاری در ترجمه شده و نمی‌توانیم بلاغت نحوی - معنایی مفعول مطلق معنایی را به مخاطب زبان فارسی بازتاب دهیم. همان گونه که گفته شد، در ترجمه این آیه و مفعول مطلق نوعی آن، ضرورت دارد، مفعول مطلق و صفت آن را یکجا به یک نقش (قید تأکید یا کیفیت) تبدیل و ترجمه نماییم. ترجمه هر یک از مفعول مطلق و صفت آن به صورت جداگانه و مستقل خلاف اهداف دستوری است و نتیجه‌ای ناخواسته، جز افتادن در دام عربی‌گرایی ساختاری ندارد. این موضوع در ترجمه فولادوند، قابل ملاحظه است. روشن است که در این ترجمه، هر یک از مفعول مطلق نوعی و صفت جداگانه ترجمه شده‌اند؛ لذا ترجمه وی تعادل ساختاری ندارد؛ چراکه ترجمه او بر اساس روش ترجمه حرفی و لفظ به لفظ صورت گرفته است. با دقت در ترجمه حداد عادل می‌توان گفت که ترجمه ایشان از منظر مفهوم همان ترجمه فولادوند، است که فقط قالب و ساختار جمله‌بندی ترجمه تغییر کرده است. روشن است که حداد عادل جمله اسمیه «بسیار هم دوست دارید» را به جای مصدر و صفت «دوست‌داشتنی بسیار» آورده است. البته مترجم با انتخاب این ساختار متفاوت در ترجمه از گرداب عربی‌گرایی ساختاری رهایی یافته و ترجمه را به سوی معنا محور بودن سوق داده است. جالب توجه است که برخی



مترجمان صاحب‌نام همانند خرمشاهی از قید تعجب برای برگردان مفعول مطلق نوعی بهره گرفته‌اند: «و مال را چه بسیار دوست می‌دارید» (خرمشاهی). ترجمه پیشنهادی استفاده از معادل ساختاری در قالب ترجمه‌ای مفهومی به جای مشابه ساختاری در قالب ترجمه‌ای حرفی و تحت‌اللفظی است، بدین صورت:

«و مال [و ثروت] را بسیار دوست می‌دارید»

### ۳ - ۳ - مفعول مطلق عددی

تنها مشکلی که ممکن است در ترجمه مفعول مطلق عددی پیش بیاید، عدم ذکر شمار وقوع فعل و مغفول ماندن تعداد آن است که معادل این نوع مفعول مطلق در زبان فارسی، غالباً قید مقدار یا تعداد است که با ذکر آن در ترجمه پیام آیه انتقال می‌یابد:

﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ﴾ (النور / ۲)

حدّاد عادل: زن زناکار و مرد زناکار، هر کدام را صد تازیانه بزنید.

فولادوند: به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید.

«مِائَةَ جَلْدَةٍ» جانشین مفعول مطلق عددی و نمایانگر تعداد دفعات انجام فعل مفعول مطلق است و هر دو مترجم به درستی آن را برگردان نموده‌اند. در ترجمه فولادوند مبتدای صریح به متمم تبدیل شده است که البته این شکل از ترکیب کلام در زبان مقصد به نوعی گریز از هنجارها و نرم عادی زبان است که غالباً در ترجمه معنایی و مفهومی این گونه تغییر شکل‌ها قابل ملاحظه است.

### ۴ - ۳ - ترجمه مفعول مطلق با عامل محذوف

بر اساس تحلیل غالب نحوین مفعول مطلق در چنین جایگاهی منصوب به فعلی مقدّر است و از نگاه معناشناسی سه مصداق معنایی در ترجمه فارسی برای این ساخت نحوی قابل تصور است که می‌توان بدین گونه بیان کرد:

۱. فقط فعل محذوف را در ترجمه برگردان کنیم.

۲. هم فعل محذوف و هم مدلول مفعول مطلق (تأکید، نوعی و عددی) را در ترجمه برگردان کنیم.

۳. ترجمه حرفی و مشابه الفاظ عربی بکنیم یعنی ترجمه مفعول مطلق به شکل مصدری.

تقریباً هر سه نوع ترجمه در میان مترجمان قرآن قابل ملاحظه است؛ اما از این سه نظریه ارائه‌شده توسط نگارنده، غالباً نظریه اول و دوم می‌تواند درست باشد؛ البته بر اساس نظریه اول، مفعول مطلق محذوف العامل تنها بر مدلول عامل محذوف خود دلالت می‌کند، نه چیزی بیشتر. این نظریه را ابن جنی به اختصار و ابن عقیل در شرح خود بر الفیه ابن مالک

به تفصیل اظهار نموده است. ابن عقیل در این باره می‌گوید: «ضرباً زیداً» به هیچ وجه دلالت بر مفعول مطلق تأکیدی نمی‌کند؛ زیرا «ضرباً زیداً» به جای جمله «اضرب زیداً» به کار می‌رود؛ بنابراین، همان گونه که جمله امری «اضرب زیداً» فاقد تأکید است، «ضرباً زیداً» نیز فاقد تأکید است (ابن عقیل، ۱۴۰۸ ق: ۴/۴۸۸)؛ اما نگارنده بر این اعتقاد است که ضمن برگردان عامل و فعل محذوف، بهتر است مدلول مفعول مطلق (تأکید، نوع، عدد) را نیز همراه آن برگردان نماییم. به هر حال، نگارنده این جستار، نظریه سوم - یعنی ترجمه مفعول مطلق محذوف العامل به صورت مصدری بدون زمان و شخص فعل - را در ترجمه مفعول مطلق، به سبب عدم مطابقت و تعادل ساختاری و زبانشناسی با ساخت دستوری زبان فارسی قابل قبول نمی‌داند؛ زیرا مفعول مطلق در زبان فارسی، معمولاً به صورت قید تأکید، کیفیت، تعداد بیان می‌شود؛ اما گاهی ملاحظه می‌شود که در ترجمه‌هایی با سبک حرفی و تحت‌اللفظی، مفعول مطلق بر اساس تشابه ساختاری و لفظ به لفظ به متن مبدأ و نه تعادل ساختاری به زبان فارسی برگردان شده است که نه تنها معادل و مطابق نیست؛ بلکه اصولاً در زبان فارسی چنین اسلوبی، ناشناخته و غیرقابل قبول است و در حقیقت خروج از زبان معیار و نوعی عربی‌گرایی است. دلیل دیگری که به ما در رد این نظریه کمک می‌کند این است که بسیاری از مفعول مطلق‌های محذوف العامل را نمی‌توان بر اساس روش ترجمه مصدری به فارسی ترجمه نمود.

دقیق‌ترین نظریه در ترجمه مفعول مطلق محذوف العامل را می‌توان همان نظریه دوم و سپس نظریه اول دانست؛ زیرا هر دو نظریه غالباً از منظر کاربردی تطبیق بیشتری با ساختار نحوی و کاربردی زبان فارسی دارند. هر چند حدّاد عادل، از نظریه سوم، یعنی ترجمه به صورت مصدری، بدون دخالت زمان و شخص فعل استفاده‌ی بسیاری نموده؛ اما این نظریه را می‌توان روشی بسیار کهنه و قدیمی در ترجمه مفعول مطلق دانست که غالباً مربوط به سال‌های فتح ایران باستان توسط اعراب مسلمان و ورود زبان و اسلوب عربی به فارسی و ... تا سده‌های حدوداً پنجم و ششم هجری است و در زبان فارسی معیار امروز، به جز اندکی احياناً در زبان محاوره و عامیانه قابل ملاحظه نیست. غالب مترجمان قرآن کریم، بدون توجه به مباحث نحوی، از هر سه شیوه ترجمه مفعول مطلق محذوف العامل استفاده نموده‌اند؛ اما در برگردان این ساختار نحوی باید توجه داشت که فعل محذوف به درستی در ترجمه لحاظ شود، به عنوان نمونه:

﴿وَقَصَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ (الإسراء / ۲۳)

حدّاد عادل: و به پدر و مادر نیکی کنید.

فولادوند: به پدر و مادر احسان کنید.

«إحساناً» مفعول مطلق برای فعل محذوف «أحسِنُوا إِحْسَانًا» است (ر.ک: حسین‌خانی و

حلال خور، ۱۳۹۴ ش: ۱۱۳). حدّاد عادل در استفاده از ترجمه لفظ عربی «إحسان» به خوبی توانسته فعل محذوف را در ترجمه منعکس نماید؛ و این مفعول مطلق از نوع تأکیدی است؛ زیرا خداوند متعال می توانستند بدین گونه بفرمایند: «وَأَحْسِنُوا بِالْوَالِدِينَ»؛ اما خداوند متعال عامل (فعل) را حذف نموده و مصدر آن را جایگزین ساخته اند؛ بنابراین، می توان گفت که در این جمله معنای تأکیدی نیز نهفته است که این تأکید در تمامی ترجمه ها، از جمله ترجمه حدّاد عادل ملاحظه نمی گردد. هر دو مترجم از نظریه اول در ترجمه مفعول مطلق نوعی استفاده نموده و تنها فعل محذوف را برگردان نموده و مدلول تأکیدی مفعول مطلق را وانهاده اند. ترجمه پیشنهادی، چنین است: «به پدر و مادر بسیار نیکی کنید».

﴿سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ﴾ (الصفات / ۱۵۹)

حدّاد عادل: خداوند از این اوصاف که بر می شمردند پاک و منزّه است.

فولادوند: خدا منزّه است از آنچه در وصف می آورند.

مصدر «سُبْحَانَ» مفعول مطلق است که عامل آن محذوف است به تقدیر «نُسَبِحُ سُبْحَانَ» (حسین خانی و حلال خور، ۱۳۹۴ ش: ۱۱۴). ذکر مفعول مطلق و حذف عامل آن تجلی بخش نوعی تأکید است که در هیچ کدام از ترجمه ها این تأکید دیده نمی شود. همان گونه که ملاحظه می شود تمامی مترجمان با بهره گیری از سبک ترجمه معنایی - محتوایی مفعول مطلق را به فارسی برگردان نموده اند. مشکل دیگر این ترجمه ها، این است که حدّاد عادل به جای جمله فعلیه از جمله اسنادی استفاده نموده است. گفتنی است که اگر این تغییر ساختار در ترجمه به تغییر مفهوم ترجمه منجر نشود، بر اساس شیوه ترجمه معنایی درست است، هر چند بر اساس ترجمه وفادار و امین، مخدوش تلقی می شود. ترجمه پیشنهادی برای این مفعول مطلق نوعی بهره گیری از نظریه دوم و اول است:

«او را چنان که شایسته است، تسبیح می گوئیم و او از آنچه توصیف می کنند، برتر است» (نظریه دوم)

همان گونه که قبلاً نیز گفته شد، مفعول مطلق برای فعل محذوف است نه اسم محذوف و جمله، فعلیه است نه اسمیه؛ اما حدّاد عادل، احياناً این جمله های فعلیه را به صورت جمله اسمیه ترجمه نموده و محذوف آن ها را مبتدا تلقی نموده است نه فعل محذوف، از آن جمله است:

﴿لَهُمْ عَرْفٌ مِّنْ فَوْقِهَا عُرْفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ﴾ (الزمر / ۲۰)

حدّاد عادل: ... این وعده خداست، خدا خلف وعده نمی کند.

فولادوند: ... وعده ی خداست و خدا خلاف وعده نمی کند.

ترکیب «وعد الله» چهار بار در قرآن کریم با نصب «وعد» آمده است که حدّاد عادل، در

هیچ یک از موارد به نقش نحوی آن توجه نکرده است؛ چنان که در ترجمه عبارت (وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا) (نساء/ ۱۲۲) آورده است: «وعده خدا حق است». ترجمه درست عبارت چنین است: «خداوند آنان را به وعده‌ای راستین وعده داده است» (نیز ق یونس، ۴؛ روم، ۶؛ لقمان، ۹؛ زمر، ۲۰) «وَعَدَ اللَّهُ» در آیه موردپژوهش، مفعول مطلق برای فعل محذوف (وَعَدَ اللَّهُ وعده) و جمله، فعلیه است، اما ملاحظه می‌گردد که حَدَادِ عادل و فولادوند آن را اسمیه ترجمه نموده‌اند. اگر این تغییر از فعلیه به اسناد تغییری در مفهوم ایجاد نکرده باشد، این ترجمه بر اساس ترجمه معنایی درست است؛ هرچند بر اساس ترجمه معادل و وفادار مخدوش تلقی می‌شود، ولی به نظر می‌رسد ترجمه فعلیه عبارت یادشده با اسمیه در نظر گرفتن آن متفاوت باشد؛ زیرا جمله «این وعده‌ی الهی است» محدود به نعمت‌های یادشده است، اما «خدا وعده داده است» به بهشت که در آیات دیگر توصیف شده، انصراف و در نتیجه معنایی عام‌تر دارد. البته اگر کسی این انصراف را نپذیرد و مرجع آن را همین آیه بداند، طبیعی است که دیگر تفاوت معنایی نخواهد داشت.

### ۵ - ۳ - ترجمه مفعول مطلق و مشکلات آن در حوزه جانشینی

در زبان عربی کلماتی می‌توانند بجای مصدری که مفعول مطلق است بکار روند که آن کلمات حکم مفعول مطلق را خواهند داشت و منصوب خواهند بود. جانشین مفعول مطلق در انواع مختلف آن، غالباً به دو صورت قابل دسته‌بندی است:

۱ - دو چیز از مفعول مطلق تأکیدی نیابت می‌کند:

۱- مرادف آن، یعنی آن لفظی که به معنای مفعول مطلق است؛ مانند: «قُمْتُ وَوُفُوًّا» که از «قیاماً» نیابت نموده است؛ زیرا هم‌معنای آن است. ۲ - لفظی که از حیث حروف اصلی با مصدر شریک باشد و خود بر دو نوع اسم مصدر و یا مصدری است که برای فعل دیگر آورده می‌شود.

۲ - هفت چیز، جانشین مفعول مطلق نوعی و عددی است:

۱ - لفظ «كُلٌّ» و «بَعْضٌ» که به مصدر اضافه شده باشد؛ مانند: «جَدَّ الطَّالِبُ كُلَّ الْجِدِّ». ۲ - عدد و وسیله مخصوص فعل؛ مانند: «طَعَنَتْهُ رُمَحًا». ۳ - ضمیر به مصدر مفعول مطلق بازگردد؛ مانند: «لَا أَعْدِيَهُ أَحَدًا». ۴ - صفت؛ مانند: «خَاطَبْتُهُ أَحْسَنَ خَطَابٍ». ۵ - نوعیت یا شکل؛ مانند: «يَمُوتُ الْكَافِرُ مَيِّتَةً سَوْءٍ وَ يَعِيشُ الْمُؤْمِنُ عَيْشَةً رَاضِيَةً». ۶ - اسم اشاره‌ای که به مصدر بازمی‌گردد؛ مانند: «أَكْرَمَتْهُ ذَلِكَ الْإِكْرَامِ». ۷ - «مَا» و «أَيُّ» استفهامی یا شرطی؛ مانند: «مَا فَعَلْتَ» و «أَيُّ سَبِيْرٍ سِرْتِ؟» (شرتوتی، ۱۴۱۷ ق/ ۱۳۵).

در زبان عربی، گاهی به جای مفعول مطلق کلماتی جانشین می‌شود. این جانشین‌ها به اشکال مختلف به کار می‌روند جانشین‌های مفعول مطلق و شیوه‌های ترجمه آن‌ها را در سه قسمت می‌توان بررسی و تحلیل نمود: ۱ - جانشین عددی. ۲ - جانشین به صورت کلماتی خاص. ۳ - جانشین به صورت صفت.

## ۱- ۵- ۳ - جانشین مفعول مطلق عددی:

این گونه نائب مفعول مطلق، شیوه خاصی برای ترجمه ندارد و فقط کافی است که عدد را در ترجمه ذکر نماییم:

﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ﴾ (النور / ۲)

حداد عادل: زن زناکار و مرد زناکار، هر کدام را صد تازیانه بزنید.

فولادوند: به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید.

ملاحظه می‌گردد که حداد عادل و فولادوند معادل عدد «مِائَةً» که جانشین مفعول مطلق از نوع عددی است در ترجمه به صورت صفت شمارشی (صد) برگردان نموده‌اند. مشکل خاصی از این منظر وجود ندارد؛ مگر اینکه ترجمه عدد را فراموش کنند. باین حال، در مواردی از جانشین مفعول مطلق عددی هم ممکن است به صورت تمییز ترجمه شود، همان گونه که حداد عادل ترجمه نموده است:

﴿فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً...﴾ (النساء / ۹۵)

حداد عادل: خداوند کسانی را که با مال و جان خود در راه خدا جهاد کرده‌اند، بر خانه‌نشینان از حیث رتبه، برتری بخشیده است.

فولادوند: «خداوند کسانی را که با مال و جان خود جهاد می‌کنند، به درجه‌ای بر خانه‌نشینان مزیت بخشیده».

در آیه فوق، «درجه» را می‌توان مفعول به، تمییز و یا مفعول مطلق نوعی (ابزار جانشین مصدر) نیز به‌شمار آورد. اما، با در نظر گرفتن سیاق کلام و بافت آیه، در اینجا بهتر است که آن را مفعول مطلق عددی در نظر بگیریم. با این توصیفات، به نظر می‌رسد که ترجمه فولادوند بهتر از ترجمه حداد عادل است.

## ۲- ۵- ۳ - جانشین مفعول مطلق به شکل کلماتی خاص:

نوع دوم از جانشین‌های مفعول مطلق کلماتی خاص و متداول است که به اقتضای معنای سخن در جمله به کار می‌روند. مشهورترین این کلمات بدین ترتیب است: «حَقٌّ، كُلٌّ، أَحْسَنُ، بَعْضٌ، أَشَدُّ» (حسین خانی و حلال خور، ۱۳۹۴ ش: ۹۷). در زبان فارسی، معادل این نوع مفعول مطلق، معمولاً قید کیفیت، تأکید و مقدار به کار می‌رود که بیشتر در قالب عبارت‌های قیدی‌اند (قلی زاده، ۱۳۸۰ ش: ۴۸).

﴿فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ...﴾ (النساء / ۱۲۹).

حداد عادل: ... پس به کلی (از یکی) کناره مگیرید که او را بلا تکلیف رها سازید.

فولادوند: «... پس به یک طرف یکسره تمایل نورزید تا آن [زندگی] را سرگشته [بلا تکلیف] رها کنید».

در این آیه، «کُلَّ» جانشین مفعول مطلق است و در ترجمه‌های فوق به عبارت قیدی ترجمه شده است؛ بنابراین، از این نظر، تعادل «نحوی» در ترجمه مفعول مطلق برقرار است و به قید کیفیت و تأکید ترجمه شده است (ر.ک: حسین‌خانی و حلال‌خور، ۱۳۹۴ ش: ۱۰۸).

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾ (البقرة / ۱۲۱)

حدّاد عادل: کسانی که بدانان کتاب داده‌ایم، آن را چنان‌که سزاوار است می‌خوانند.

فولادوند: کسانی که [کتاب آسمانی] به آنان داده‌ایم، [و] آن را چنان‌که باید می‌خوانند.

در این آیه کلمه «حَقَّ» جانشین مفعول مطلق نوعی است که در هر دو ترجمه به صورت قید و صحیح برگردان شده است.

### ۳-۵-۳ - جانشین مفعول مطلق به شکل صفت

یکی دیگر از موارد جانشینی مفعول مطلق، جانشین شدن صفت به جای مصدر (= مفعول مطلق محذوف) است. این شکل از مفعول مطلق در واقع همان مفعول مطلق نوعی دسته نخست (دارای صفت مفرد) است؛ بنابراین، شیوه ترجمه این گونه جانشین‌های مفعول مطلق نوعی نیز همانند شیوه ترجمه مفعول مطلق نوعی دارای صفت مفرد خواهد بود که حدّاد عادل غالباً لغزش‌هایی از منظر اشتباه در تشخیص نقش کلمه و از محور نحوی داشته است:

﴿... وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةً...﴾ (النساء / ۹۲).

حدّاد عادل: و هر که مؤمنی را به خطا به قتل برساند، باید بنده‌ای مؤمن آزاد کند.

فولادوند: و هر کس مؤمنی را به اشتباه کشت، باید بنده مؤمنی را آزاد کند.

همان‌گونه که در هر دو ترجمه حدّاد عادل و فولادوند قابل ملاحظه است، در هر دو ترجمه مذکور با ذکر صفت مفرد، به صورت درست ترجمه نموده‌اند (ر.ک: حسین‌خانی و حلال‌خور، ۱۳۹۴ ش: ۱۰۹) و ترجمه هر دوی آنان از جانشین مفعول مطلق نوعی کاملاً معادل با زبان مبدأ و مقصد است؛ زیرا هم ترجمه معادل با زبان مبدأ (قرآن کریم) است و مترجمان مفعول مطلق را برگردان نموده‌اند و هم اینکه معادل با زبان مقصد بوده و مبتنی بر ضوابط و قوانین زبانی و زبان‌شناسی در ادبیات فارسی است.

﴿بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ﴾ (البقرة: ۸۸)

حدّاد عادل: ... و چه اندک است ایمانشان.

فولادوند: ... چه اندک شماره‌اند.

«قلیلاً» منصوب است چون صفت برای موصوف یا مفعول مطلق محذوف است به تقدیر: «فایماناً قلیلاً...» بنابراین، صفت «قلیلاً» جانشین مفعول مطلق محذوف است. به عبارتی «قلیلاً» صفت برای مصدر محذوف است نه اسم. مصدری برای فعل محذوفی که در اصل

چنین بوده است «يُؤْمِنُونَ إيماناً قليلاً» به هر حال، معنای دقیق عبارت «يُؤْمِنُونَ إيماناً قليلاً» «کمتر ایمان می آورند» است (الأنصاری، ۱۴۲۱ - ۲۰۰۱، ج ۱: ۲۷). در ترجمه حداد عادل اشکال دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه جمله فعلیهی خبری به جمله اسمیهی عاطفی برگردان شده است. ترجمه ایشان از جانشین مفعول مطلق نوعی در این آیه بیشتر شبیه برگردان فعل تعجب است تا مفعول مطلق.

﴿... وَبَصَدَّهُمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا﴾ (النساء/۱۶۰).

حداد عادل: ... و به سبب آنکه بسیاری (از مردم) را از راه خدا بازداشتند بودند.

فولادوند: ... و به سبب آنکه [مردم را] بسیار از راه خدا بازداشتند.

واژه «کثیراً» به اتفاق نظر اکثر دانشمندان نحو و اعراب قرآن، به ویژه به دلیل تناسب فراوان با سبک زبانی قرآن کریم - صفت و جانشین مصدر یا مفعول مطلق محذوف (صُدوداً/ صَدًّا) است (ابن عاشور، ۲۰۰۰ م: ۳۱۲/۴). جانشین گرفتن آن برای مفعول به، متناسب با سبک و سیاق قرآن کریم نیست (ر.ک: حسین خانی و حلال خور، ۱۳۹۴ ش: ۱۱۳)؛ بنابراین، ترجمه حداد عادل با توجه به اینکه در نقش مفعول به ترجمه شده و نه مفعول مطلق، نمی تواند ترجمه ای درست و معادلی برای متن مبدأ باشند. همان گونه که قبلاً نیز ذکر آن گذشت، بهترین ترجمه برای این گونه جملات استفاده از قید است و در ترجمه فولادوند به درستی به صورت قید مقدار معادل سازی شده است.

#### ۴- نتیجه بحث

ساختار نحوی مفعول مطلق جزء ساختارهایی است که در زبان فارسی شباهت ساختاری ندارد و باید برای آن معادل ساختاری قرار داد. این امر سبب لغزش بسیاری از مترجمان به ویژه حداد عادل و فولادوند در محور ترجمه مفعول مطلق گردیده است. با بررسی ترجمه حداد عادل و فولادوند، دریافتیم که این ترجمه ها در یافتن معادل ساختاری مفعول های مطلق غالباً دارای اشکالاتی متعدد هستند و در موارد بسیاری مرتکب عربی گرایی ساختاری گردیده است. نمونه های بررسی شده نشان می دهد که هر دو ترجمه در یافتن معادل ساختاری برای مفعول های مطلق تأکیدی بیشترین توفیق را داشته اند و غالباً مفعول های مطلق بر مبنای معادل ساختاری به درستی برابر سازی شده است؛ اما بیشترین لغزش ترجمه حداد عادل، مربوط به مفعول مطلق با عامل محذوف است که این مفعول مطلق ها اغلب به صورت اسنادی (مبتدا و خبر) ترجمه شده است؛ یعنی مترجم غالباً با برهم زدن ساختار زبان اصلی (قرآن کریم) مفاهیم مورد نظر را ضمن مخدوش نمودن ساختار، انتقال داده است؛ اما در ترجمه فولادوند چنین اشکالاتی کمتر قابل ملاحظه است. در مجموع می توان گفت که ترجمه فولادوند در غالب محورها و مؤلفه های شاخص ترجمه مفعول مطلق و انواع آن به مراتب بهتر از ترجمه حداد عادل عمل کرده است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. اسم مصدر «عذاب» و مصدر «عذاب کردن» است

## کتاب‌نامه

- قرآن کریم
- ابن عاشور، محمد الطاهر (۲۰۰۰ م)، «تفسیر القرآن العظیم»، المحقق: الدكتور حاتم صالح الضامن، دبی: دار طیبه للنشر والتوزیع.
- ابن عقیل (۱۳۸۴ ش)، «شرح ابن عقیل»، الطبعة الأولى، قم: آسبانا.
- الأنصاری، زکریا بن محمد بن أحمد (۱۴۲۱ - ۲۰۰۱)، «إعراب القرآن الکریم»، حققه وعلّق علیه: موسی علی موسی مسعود (رسالة ماجستير)، ط ۱، لا مک، لا نا.
- حسن، عباس (۱۴۲۸ ق)، «النحو الوافی»، ط ۱۵، بیروت: دارالمعارف.
- حسین‌خانی، کلکای و کوثر حلال‌خور (۱۳۹۴ ش)، «بررسی ترجمه و معادل ساختاری مفعول مطلق با محوریت ترجمه استاد فولادوند (بررسی موردی سوره ی نساء)»، فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عرب دوره ۵، شماره ۱۲، تابستان، ص ۱۳۲ - ۹۷.
- خضری، محمد. (۱۳۶۸)، «حاشیه الخضری علی شرح ابن عقیل»، بیروت: دارالفکر.
- الشریتونی، رشید (۱۴۱۷ ق)، «مبادئ العربية قسم النحو»، تنقیح و إعداد: حمید المحمدي، الطبعة الأولى، قم: مؤسسه دارالذکر.
- شکرانی، رضا. (۱۳۸۰). «درآمدی بر تحلیل ساخت‌های نحوی قرآن» مجله مقالات و بررسی‌ها. دفتر ۶۹.
- الصّبان، محمّد بن علی (۱۳۷۷)، «حاشیه الصّبان»، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیر.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، «شاهنامه»، تصحیح ژول مول، چ ۳، تهران: سازمان کتاب‌های جیبی.
- فولادوند، محمد مهدی (۱۳۷۵)، «ترجمه قرآن کریم»، ط ۲، قم: دارالقرآن الکریم، (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
- قلی‌زاده، حیدر (۱۳۹۵)، «مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم»، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۴ - ۱۳۷۲)، «گزیده تفسیر نمونه»، تنظیم و تحقیق: احمدعلی بابایی، قم: حوزه علمیه.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف، (۱۳۸۱)، شرفنامه، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چ ۴، تهران: نشر قطره.

## Bibliography

The Holy Quran

- Ibn Aqil (2005), "Explanation of Ibn'Aqil," al-Tawba al-Awli, Qom: Asia.
- Azarnosh, Azartah (2010), "Translation of the Qur'an, Theoretical Foundations and Historical Approach", 1, Tehran: Reference Book.
- Al-Ansari, Zakriya ibn Muhammad bin Ahmad (1421 - 2001), "Imam Ali Quran al-Kareem", Hellhead and Prophet against: Musa Ali Musa Mas'ud (Mesopotamia), T. 1, La Mak, La Nah.
- Hassan, Abbas (1428 AH), Alnoh al-Wafi, 15, Beirut: The thesis.
- Hellenic view of the clayey and solvent (1394), "The study of translation and structural equivalence of the absolute object, centered on the translation of Fuladvand's master (a case study of the



- Sura of Nisa)", Quarterly Journal of Translation Studies in Arabic Language and Literature, Vol. 5, No. 12, Summer, pp. 132-97.
- Khorramshahi, Baha'-al-Din (2007), "Review of the Modern Persian Translation of the Holy Qur'an", Qom: The Transcaucasian Cultural Institute.
  - Rezaei Isfahani, Mohammad Ali (2004), "Methods and Styles of the Translation of the Qur'an", Revelation Journal, No. 15, pp. 61-33.
  - Rokni Yazdi, Mohammad Mehdi (2011), "The Persistence of Translating the Qur'an over time by looking at the translation of Gholamali Haddad Adil", Maghreb Mashkout, vol. 111, pp. 16-1.
  - Al-Sharathuni, Rashid (1417 AD), "Al-Arabiya Qusm-al-Naho", Tvikuh and Creation: Hamid al-Mohammadi, al-Tawba al-Awli, Qom: Mustafa Dar al-Zekr.
  - Safi, Mahmoud ibn Abdul Rahim (1418), "Al-Jodwil for the Prophet of the Holy Qur'an", 4, Damascus: Darul-Rashid and Beirut: The Mecca of the Imam.
  - Al-Saban, Mohammad bin Ali (1377), "Hashish al-Saban", Third edition, Tehran: Amir publishing house.
  - Fouladvand, Mohammad Mahdi (1375), "Translation of the Holy Qur'an", Q2: Qur'an: Dar al-Quran al-Kareem (Office of Historical Studies and Islamic Education).
  - Makarem Shirazi, Nasser (1314-1414), "Selection of Sample Interpretation", Adjustment and Research: Ahmad Ali Babaei, Qom: Seminary.

